

The Role of Divine Traditions in the Qur'an in Managing the Crises of the Era of Occultation¹

Elahe Hadian Rasnani¹ 

Maryam Velayati Kababian² 

1. Assistant Professor, Department of Hadith, Faculty of Hadith Sciences and Teachings, University of Quran and Hadith, Tehran, Iran. velayati.m@hadith.ir

2. Associate Professor, Department of Quran, Faculty of Quranic Sciences and Teachings, University of Quran and Hadith, Tehran, Iran (**Corresponding Author**).
hadian.e@hadith.ir



Abstract

In the era of the Major Occultation—one of the most sensitive and decisive periods in the history of Shiism—the awaiting community faces four major crises: the crisis of belief and knowledge, the social and identity crisis, the moral and cultural crisis, and the political and leadership crisis. In such circumstances, the divine traditions, understood as God's fixed, universal, and wise laws articulated in the Qur'anic verses, play a pivotal role in managing these crises. These traditions include guidance, trial and purification, gradual enticement (*istidraj*), divine support, succession, and the ultimate victory of truth. Using a descriptive–analytical method based on library sources—especially Shia Qur'anic exegesis—this article examines each of these divine traditions as a divine strategy with diverse functions, such as raising awareness, filtering and purifying the community, fostering

1. Hadian Rasnani, E., & Velayati Kababian, M. (2025). The Role of the Divine Traditions of the Holy Quran in Managing Crises during the Era of Occultation. *Mahdavi Society*, 6(1), pp. 29-64.
<https://doi.org/10.22081/jm.2025.72442.1113>

▣ **Type of article:** Research Article * **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy

▣ **Received:** 2025/01/09 • **Revised:** 2025/03/02 • **Accepted:** 2025/05/05 • **Available Online:** 2025/07/01

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



resistance and active hope, strengthening collective identity and social cohesion, and fortifying individual and communal resolve. These traditions prevent collapse, despair, and passivity, guiding the Shia community toward active waiting, civilizational dynamism, and preparedness to support the Promised Imam.

The analysis reveals that these traditions not only protect the community from dissolution and helplessness in the face of successive crises, but also transform crises into educational, spiritual, and civilizational opportunities that reinforce the front of truth. Based on this, understanding and explaining the divine traditions becomes a fundamental necessity for preserving the identity of the awaiting community and fulfilling its historical mission in the era of Occultation.

Keywords

Era of the Major Occultation, divine traditions, crises of the Occultation, crisis management, active waiting, the awaiting community.

نقش سنن الهی قرآن کریم در مدیریت بحران‌های عصر غیبت^۱

الهه هادیان رسنانی^۱  مریم ولایتی کبابیان^۲ 

۱. دانشیار، گروه قرآن، دانشکده علوم و معارف قرآن، دانشگاه قرآن و حدیث، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

hadian.e@hadith.ir

۲. استادیار، گروه حدیث، دانشکده علوم و معارف حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث، تهران، ایران.

velayati.m@hadith.ir



چکیده

در عصر غیبت کبری که دوره‌ای حساس و سرنوشت ساز در تاریخ تشیع است، جامعه منتظر با چهار بحران اصلی مواجه است: بحران اعتقادی و معرفتی، بحران اجتماعی و هویتی، بحران اخلاقی و فرهنگی، و بحران سیاسی و راهبری. در این شرایط، سنت‌های الهی به مثابه قوانین ثابت، عام و حکیمانه الهی که در آیات قرآن کریم تبیین شده‌اند، نقش کلیدی در مدیریت این بحران‌ها ایفا می‌کنند؛ سنت‌هایی همچون هدایت، امتحان و تمحیص، استدراج، نصرت الهی، استخلاف و پیروزی نهایی حق. این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی بر اساس منابع کتابخانه‌ای به ویژه تفسیر شیعی به سامان رسیده است تلاش دارد به هریک از سنن بالا به مثابه راهبردی الهی، کارکردهایی متنوع، از جمله آگاهی‌بخشی، غربال‌گری و تصفیه جامعه، ایجاد روحیه مقاومت و امید فعال، تقویت هویت جمعی و انسجام اجتماعی و استحکام اراده فردی و اجتماعی بپردازد. این سنت‌ها با جلوگیری از فروپاشی، یأس و انفعال، جامعه شیعی را به سوی انتظار فعال، پویایی تمدنی و آمادگی برای یاری امام موعود علیه السلام سوق می‌دهند. تحلیل این

۱. هادیان رسنانی، الهه؛ ولایتی کبابیان، مریم. (۱۴۰۴) نقش سنن الهی قرآن کریم در مدیریت بحران‌های عصر غیبت. جامعه مهدوی، ۶(۱)، صص ۲۹-۶۴.

<https://doi.org/10.22081/jm.2025.72442.1113>

▣ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

▣ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۰ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۲/۱۲ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۵ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰

© ۲۰۲۵ «نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند»



سنت‌ها نشان می‌دهد که نه تنها مانع استحاله و استیصال در برابر بحران‌های متوالی هستند، بلکه بحران‌ها را نیز به فرصت‌های تربیتی، ایمانی و تمدنی برای تقویت جبهه حق تبدیل می‌کنند. بر این اساس، شناخت و تبیین سنت‌های الهی، ضرورتی بنیادین برای صیانت از هویت جامعه منتظر و تحقق رسالت تاریخی آن در عصر غیبت است.

کلیدواژه‌ها

عصر غیبت کبری، سنت‌های الهی، بحران‌های عصر غیبت، مدیریت بحران، انتظار فعال، جامعه منتظر.

مقدمه

عصر غیبت کبری که یکی از حساس‌ترین و پیچیده‌ترین مقاطع تاریخ امامت و ولایت است، جامعه اسلامی را با چالش‌ها و بحران‌های پرشماری مواجه کرده است. در این دوران، فقدان دسترسی مستقیم به امام معصوم (علیه السلام) سبب بروز حیرت، تردید، انحرافات اعتقادی، ضعف هویت جمعی و گسترش فتنه‌های فکری و فرهنگی شده است. این بحران‌ها در ابعاد مختلف اعتقادی، اجتماعی، اخلاقی و سیاسی، جامعه منتظر را در معرض آزمون‌هایی دشوار قرار داده و ضرورت استفاده از منابع اصیل دینی را برای حفظ انسجام و هدایت امت دوچندان کرده است.

یکی از مهم‌ترین منابع راهبردی در این مسیر، سنت‌های الهی هستند؛ قوانینی ثابت، حکیمانه و تغییرناپذیر که بر تاریخ و جوامع انسانی حاکم‌اند و در قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم السلام) به تفصیل تبیین شده‌اند. این سنت‌ها نه تنها به مثابه ابزاری تحلیلی برای فهم رفتارهای فردی و اجتماعی عمل می‌کنند، بلکه به مثابه نقشه راهی دقیق، مسیر صحیح عبور از فتنه‌ها و بحران‌ها را نیز مشخص می‌سازند. سنت‌هایی همچون هدایت، امتحان و تمحیص، استدراج، نصرت الهی، وراثت و استخلاف و پیروزی نهایی حق، هریک کارکرد منحصر به فردی در حفظ پایداری و هویت جامعه مؤمنان دارند و زمینه‌ساز تحقق رسالت بزرگ مهدوی می‌شوند.

بررسی نقش سنت‌های الهی در مدیریت بحران‌های عصر غیبت، از یک سو، سبب شناخت عمیق‌تر مأموریت جامعه منتظر می‌شود و از سوی دیگر، بستر طراحی راهبردهای عملی برای تقویت ایمان، تحکیم انسجام اجتماعی و مقاومت در برابر هجمه‌های نرم و جنگ شناختی معاصر را فراهم می‌آورد. بازخوانی و تبیین این سنت‌ها، به‌ویژه در عصر حاضر که ارزش‌های دینی و اصول اعتقادی شیعه آماج حملات فکری و فرهنگی قرار گرفته است می‌تواند الگویی عملی و الهام‌بخش برای حفظ عزت و پایداری جامعه اسلامی ارائه دهد.

این مقاله با رویکرد تحلیلی - تفسیری، نقش سنت‌های الهی را در مدیریت چهار بحران اصلی عصر غیبت بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که این سنت‌ها چگونه می‌توانند

به‌مثابه نقشه راهی الهی، جامعه شیعی را از انتظار منفعل به انتظار فعال و تمدنی سوق دهند و زمینه‌ساز تحقق حکومت عدل جهانی حضرت ولی عصر (عج) شوند.

مطالعه پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که تاکنون سنت‌های الهی و بحران‌های عصر غیبت، هرکدام در قالب پژوهش‌های مستقل بررسی شده‌اند؛ برای نمونه شهید صدر (۱۳۸۱) و آیت‌الله مصباح یزدی (۱۴۰۱) به تعریف، دسته‌بندی و کارکردهای سنت‌های الهی پرداخته‌اند. همچنین آثاری مانند موسوی (۱۴۲۹ق) و شماری از مقالات و پایان‌نامه‌های دانشگاهی، به تحلیل چالش‌های معرفتی جامعه شیعه در دوران غیبت پرداخته‌اند. افزون بر این، برخی پژوهش‌ها به‌صورت گذرا یا موضوعی، به پیوند میان سنت‌های الهی و مسئله غیبت یا موضوع مهدویت نیز اشاره کرده‌اند؛ برای نمونه فاضلیان (۱۳۸۸) تلاش کرده است برخی سنت‌های الهی مانند پیروزی حق بر باطل، جانشینی مستضعفان، نجات مؤمنان و مسئولیت منتظران را تبیین کند. بااین حال، این‌گونه پژوهش‌ها به‌طور عمده، بر تفسیر آیات مرتبط با سنت‌های الهی و تطبیق آنها با آموزه‌های مهدویت متمرکزند و کمتر به تحلیل ساختارمند بحران‌های عصر غیبت و تبیین آنها بر پایه منظومه سنت‌های قرآنی پرداخته‌اند. نوآوری پژوهش حاضر در همین پیوند تحلیلی میان سنت‌های قرآنی و بحران‌های فکری، اجتماعی، اخلاقی و سیاسی دوران غیبت است؛ رویکردی که هم به شناخت عمیق‌تر فلسفه غیبت و مأموریت جامعه منتظر کمک می‌کند و هم افق‌هایی نو برای انتظار فعال و زمینه‌سازی ظهور می‌گشاید.

۱. مبانی نظری و مفهومی سنت‌های الهی

در قرآن، واژه «سنت» به معنای قانون ثابت، پایدار و تغییرناپذیر الهی آمده است که بر کل هستی، جوامع و افراد حاکم است. سنت‌های الهی مجموعه‌ای از قوانین قطعی و عام‌اند که بر اساس عدل و حکمت الهی، سرنوشت ملت‌ها، پیروزی حق و سقوط ظلم را رقم می‌زنند؛ چنان‌که در آیه «سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا؛ [خداوند] این سنت [و قانون] الهی را درباره کسانی که پیش از این بوده‌اند نیز مقرر کرده است؛ و برای سنت خدا هرگز تغییر و دگرگونی نخواهی یافت» (احزاب، ۶۲)

به صراحت بیان شده است. این سنت‌ها جهان‌شمول و تغییرناپذیرند و همه افراد و ملت‌ها مشمول آن می‌شوند. نتایج آنها، چه در پیروزی ملت‌های مقاوم و مؤمن و چه در زوال و سقوط جوامع ظالم و منحرف قطعی است. ابزارهایی که قرآن برای شناخت این قوانین معرفی می‌کند، مانند عقل، تجربه تاریخی و مطالعه اجتماعی، به انسان امکان می‌دهد تا رابطه بین رفتار و نتایج را درک کند و از سرگذشت ملت‌های پیشین عبرت گیرد (زیدان، ۱۴۱۳ق، صص ۷-۱۷؛ مصباح یزدی، ۱۴۰۱، صص ۴۶۹-۴۷۰).

سنت‌های الهی به مثابه قوانین ثابت و پایدار، هم در رفتارهای فردی و هم در تحولات اجتماعی نقشی بنیادین دارند و شالوده تدبیر الهی در نظام هستی را شکل می‌دهند. این سنت‌های برخلاف دیدگاه‌های جبری یا تصادفی به تاریخ مبتنی بر حکمت الهی و در عین حال، متکی بر اراده و اختیار انسان‌ها عمل می‌کنند. به بیان دیگر، انسان با شناخت و به کارگیری این قوانین می‌تواند بر جریان تاریخ اثرگذار باشد و سرنوشت فردی و اجتماعی خود را متحول کند (صدر، ۱۳۸۱، صص ۵۸، ۷۸-۷۹، ۸۳-۹۰). بنابراین شناخت این قوانین الهی تنها به منزله یک راهنمای نظری نیست، بلکه ظرفیت آن را دارد که مبنای تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و سامان‌دهی حیات جمعی قرار گیرد. غفلت از این سنت‌ها، پیامدهایی، چون انحطاط اخلاقی، سقوط تمدنی و سلطه بیگانگان را در پی دارد؛ در حالی که آگاهی و التزام به آنها، مسیر عزت، بیداری و پیشرفت را هموار می‌کند.

در این میان، نقش ایدئال‌ها و آرمان‌های جوامع در تحقق سنت‌های الهی، اهمیت بسزایی دارد؛ زیرا هر جامعه‌ای مطابق با ایدئال‌های خود حرکت می‌کند. اگر این آرمان‌ها الهی و تعالی‌بخش باشند، جامعه به رشد و پیروزی می‌رسد؛ اما آرمان‌های مادی و سطحی، سبب سقوط جامعه خواهند شد (صدر، ۱۳۸۱، صص ۱۵۳-۱۵۷؛ قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۱۴۹). قرآن، غایت نهایی انسان را لقای الهی می‌داند و مسیر رسیدن به آن را «سبیل الله» و «صراط الله» معرفی می‌کند (انشقاق، ۶؛ صدر، ۱۳۸۱، صص ۱۸۷-۱۸۸، ۲۰۰). بر این اساس، پیامبران برای رهایی انسان از بندهای نفسانی، و رساندن او به آزادی معنوی مبعوث شده‌اند (مطهری، ۱۳۹۹ق، ج ۲۳، ص ۴۵۴). این نگاه در اندیشه امام خمینی علیه السلام نیز مشهود است؛ چنان‌که

بر لزوم اصلاح آرمان‌های فردی و اجتماعی در برابر خودپرستی و منفعت‌طلبی هشدار داده‌اند (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۲). جامعه‌ای که خدا و ارزش‌های الهی را آرمان خود قرار دهد، با اتکا به تکلیف‌مداری، مجاهدت و مسئولیت‌پذیری، به نصرت واقعی خواهد رسید؛ زیرا سنت الهی بر این اصل استوار است که تحولات اجتماعی به دست خود مردم و با جهاد و تلاش آنان رقم می‌خورد (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، صص ۱۴۲-۱۴۴).

گفتنی است قرآن کریم در مواردی، خود به‌صراحت از سنت‌های الهی یاد می‌کند و در مواردی دیگر، با به‌کارگیری الفاظ عام و جهان‌شمول، بر استمرار و فراگیری برخی قواعد تأکید می‌ورزد. همچنین تکرار مضامین واحد در داستان اقوام مختلف، از دیگر قرائن دال بر سنت‌بودن آن قواعد است. کنار این ملاک‌ها، تحلیل سنت‌های الهی در قرآن، بر پایه قاعده‌ای روش‌شناختی نیز استوار است که از آن با عنوان «حجیت فرازهای مستقل قرآن در سیاق و خارج از سیاق» یاد می‌شود. بر اساس این قاعده، هر فراز قرآنی می‌تواند در چارچوب سیاق نزول، معنای خاص خود را داشته باشد و در عین حال، مستقل از سیاق، به‌مثابه اصلی کلی و هدایتی نیز به کار رود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، صص ۲۵۹-۲۶۰؛ طباطبایی، ۱۴۲۷، ج ۱، صص ۱۷۷-۱۷۸). این شیوه در روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز فراوان به کار رفته است، مانند استناد حضرت زهرا علیها‌السلام در خطبه فدکیه به آیه «أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا؛ آگاه باشید که آنان در فتنه فرو افتاده‌اند» (توبه، ۴۹) که گرچه در سیاق اصلی، معنای خاصی در ارتباط با تخلف‌کنندگان از جنگ تبوک دارد (نک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۰، ص ۱۰۴؛ طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۳، ص ۳۱۹؛ واحدی، ۱۴۱۱، ص ۲۵۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۵۶)، به‌صورت جمله‌ای مستقل برای محکوم کردن مدعیان جلوگیری از فتنه به کار رفته است؛ درحالی که آنان خود در فتنه سقوط کرده بودند و به تعبیر حضرت، جهنم آنان را در بر گرفته بود (ابن‌طفیور، بی‌تا، ص ۲۵؛ ابن‌حیون، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۳۵؛ طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۰۱)؛ همین شیوه در سخنان امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز مشاهده می‌شود، مانند استناد ایشان به فراز «حَتَّى جَاءَ الْحَقُّ وَ ظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَ هُمْ كَارِهُونَ؛ تا آنکه [یاری] حق آمد و امر خدا [که تحقق پیروزی شماست] آشکار شد؛ درحالی که آنان بسی ناخشنود بودند» (توبه، ۴۸)

در ماجرای جنگ جمل و در نامه به معاویه گرچه این آیه در سیاق اصلی درباره منافقان جنگ تبوک نازل شده، به صورت جمله‌ای مستقل برای تبیین پیمان شکنی و فتنه‌انگیزی مخالفان به کار رفته است (نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴ق، ص ۸۸؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۷۵؛ ج ۱۴، ص ۳۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۲، ص ۳۶۸؛ ج ۳۳، ص ۱۱۰؛ هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق، ج ۱۷، ص ۳۲۸).

این قاعده با اصل «العبرة بعموم اللفظ لا بخصوص السبب» نیز پیوند دارد؛ بدین معنا که معیار در دلالت آیات، عموم الفاظ است و نه صرفاً سبب نزول (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، صص ۱۲۳-۱۲۴). بر همین اساس، و در پرتو قاعده و اصل ذکر شده، می‌توان آیات حاوی سنت‌های الهی را نیز مستقل از شأن نزول، با تکیه بر عموم و اطلاق آیات، استخراج و تحلیل کرد؛ سنت‌هایی که در قرآن به معنای قوانین ثابت و تغییرناپذیر الهی آمده و بر کل هستی، جوامع انسانی و افراد حاکم‌اند.

گفتنی است با وجود آنکه در آثار تفسیری و پژوهش‌های معاصر، دسته‌بندی‌های متنوعی از سنت‌های الهی مطرح شده است - نظیر تقسیم به سنت‌های مطلق و مشروط (مصباح یزدی، ۱۴۰۱، صص ۴۷۰-۵۰۲)، سنت‌های مربوط به اسباب و نتایج (زیدان، ۱۴۱۳ق، صص ۲۱-۴۵) یا تفکیک میان قوانین شرطی، قطعی و گرایشی (صدر، ۱۳۸۱، صص ۱۱۰-۱۲۱) -، در این پژوهش، از یک رویکرد مسئله‌محور و کارکردی استفاده شده است. رویکرد پژوهش حاضر، بر اساس کارکرد این سنت‌ها در مواجهه با بحران‌های خاص دوران غیبت کبری است، نه دسته‌بندی سنت‌های الهی بر اساس ویژگی‌های مفهومی یا انتزاعی. در این چارچوب، هر سنت الهی از منظر کارکردش در حل یا مدیریت یکی از این بحران‌ها بررسی شده است. بنابراین کاربست مبحث سنن الهی در این نوشتار، به صورت «رویکرد کارکردی بحران‌محور به سنت‌های الهی در بستر عصر غیبت» انجام شده است. این کاربست از پایین به بالاست و بر پایه تحلیل زمینه‌های عینی بحران‌ها، به بررسی راه‌حل‌های قرآنی در قالب سنت‌های الهی می‌پردازد.

دست‌آورد آن، شناخت عمیق‌تر و کاربردی‌تری از سنت‌های الهی است که نه تنها به مثابه مفاهیم نظری بلکه به مثابه قوانینی زنده و هدایت‌گر که بستر تربیت یک «جامعه منتظر مقاوم، مؤمن، بصیر و عدالت‌طلب» را در عصر غیبت فراهم می‌کند.

۲. بحران‌های عصر غیبت و کارکردهای سنت‌های الهی در مدیریت آنها

عصر غیبت، به‌ویژه دوران غیبت کبری، از حساس‌ترین و پیچیده‌ترین مقاطع تاریخ تشیع است. در این دوره، جامعه شیعه با بحران‌های پرشماری در عرصه‌های اعتقادی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و معرفتی مواجه است که ریشه آنها را می‌توان در فقدان حضور ظاهری امام معصوم (علیه السلام)، ظهور جریان‌های انحرافی، و فشارهای داخلی و خارجی جست‌وجو کرد. این بحران‌ها در صورت عدم مدیریت صحیح، افزون بر تهدید ایمان و هویت دینی، سبب تزلزل اجتماعی، تفرقه، و حتی انحطاط تمدنی خواهند شد. در این میان، سنت‌های الهی به‌مثابه قوانین ثابت و حکیمانه، نقشی اساسی در تبیین مسیر صحیح و ارائه راهکارهای عبور از بحران‌ها ایفا می‌کنند. شناخت و تمسک به این سنت‌ها، جامعه را از حیرت، ضعف و انفعال نجات می‌دهد و آن را به‌سوی مسئولیت‌پذیری، مقاومت و آمادگی برای ظهور هدایت می‌کند. از این منظر، تحلیل بحران‌های عصر غیبت و بررسی کارکرد سنت‌های الهی در مواجهه با آنها، گامی اساسی در بازخوانی وظایف امت اسلامی و تقویت آمادگی برای تحقق عدالت جهانی است.

۲-۱. بحران اعتقادی و معرفتی

بحران اعتقادی و معرفتی از اصلی‌ترین چالش‌های عصر غیبت کبری است که به‌دلیل فقدان حضور ظاهری امام معصوم (علیه السلام)، و همچنین عواملی مانند ضعف معرفت دینی، جهل عمومی، حمله‌های فکری و فرهنگی دشمنان، و سوءاستفاده مدعیان دروغین، زمینه بروز بحران‌هایی، چون حیرت و سرگردانی معرفتی، گسترش شبهات عقیدتی، و جریان‌سازی مدعیان دروغین مهدویت را فراهم می‌کند. این بحران‌ها در صورت مدیریت‌نشدن می‌توانند به انحراف و فروپاشی اعتقادی منتهی شوند؛ ازاین‌رو شناخت و مدیریت آنها برای حفظ هویت ایمانی و تقویت جبهه انتظار، امری ضروری و حیاتی است.

نمونه‌ای تاریخی از این نوع بحران، دوران پس از شهادت امام صادق (علیه السلام) است؛

زمانی که بسیاری از شیعیان در تعیین امام پس از ایشان، دچار حیرت و سرگردانی شدند. در این شرایط، امام موسی کاظم (علیه السلام) در نخستین دیدار با برخی از یاران متحیر، با عبارت کوتاه و روشنی راه را نشان داده و فرمودند:

لَا إِلَى الْمُرْجَةِ وَلَا إِلَى الْقَدَرِ وَلَا إِلَى الرَّيْذِيَّةِ وَلَا إِلَى الْمُعْتَرِكَةِ وَلَا إِلَى الْحَوَارِجِ إِلَى إِلَيَّ؛ نه به‌سوی مرجئه، نه قدریه، نه زیدیه، نه معتزله و نه خوارج، بلکه [باید] به‌سوی من [و ما اهل بیت] بیایید (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۵۲).

این فراز، نمادی روشن از راهبرد اهل بیت در مدیریت بحران‌های معرفتی پس از فقدان امام حاضر است و می‌تواند الگویی برای عصر غیبت باشد.

۱-۱-۲. حیرت، شبهات اعتقادی و فتنه مدعیان دروغین: سه‌گانه چالش‌های

اعتقادی عصر غیبت

در بررسی روایات اهل بیت (علیهم السلام) درباره عصر غیبت امام مهدی (علیه السلام)، واژه «خیره» جایگاه ویژه‌ای دارد و بارها به‌مثابه ویژگی اساسی این دوران بیان شده است. بر اساس این روایات، حیرت در دوره غیبت به دو گونه اصلی دسته‌بندی می‌شود:

نخست، حیرتی است که در آغاز غیبت صغری به وقوع پیوست و مربوط به تردید برخی شیعیان در اصل وجود امام مهدی (علیه السلام) بود. این حیرت به سبب پنهان‌بودن ولادت آن حضرت و غیبت ناگهانی ایشان پس از شهادت امام حسن عسکری (علیه السلام) به وجود آمد و باعث سردرگمی و تزلزل در میان بخشی از جامعه شیعه شد و گروهی به امامت جعفر بن علی (برادر امام عسکری (علیه السلام)) گرایش یافتند (جعفریه یا فطحیه خلص)؛ با این حال، این نوع حیرت دیری نپایید و به‌زودی حقیقت برای مؤمنان آشکار شد و آنان به وجود امام خویش یقین پیدا کردند (موسوی، ۱۴۲۹ق، صص ۱۹-۲۰).

گفتنی است در دوره‌های بعد از شهادت امام رضا (علیه السلام) و امام عسکری (علیه السلام)، گروه‌هایی با گرایش مشابه افطحیه پدید آمدند که به امامت احمد بن موسی (برادر امام رضا (علیه السلام)) یا جعفر بن علی (برادر امام عسکری (علیه السلام)) قائل شدند. نوبختی از این جریان‌ها با عنوان «فطحیه خلص» یاد می‌کند (نوبختی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۱۲). این گروه‌ها ادامه تاریخی افطحیه

نبودند، بلکه با تکیه بر همان استدلال افطحیه - یعنی امکان امامت در دو برادر - عقیده خود را توجیه می کردند؛ درحالی که افطحیه واقعی همان گروهی بود که پس از شهادت امام صادق علیه السلام شکل گرفت و در مدت کوتاهی منحل شد.

دوم، حیرتی است که اساساً به دوران غیبت کبری مربوط می شود و به مثابه بخش اصلی این عصر شناخته می شود. این حیرت برخلاف نوع اول، ناشی از شک در وجود امام نیست، بلکه از جنس حیرت وظیفه ای و امتحانی است که شیعیان مؤمن را درگیر می کند (موسوی، ۱۴۲۹ق، صص ۱۹-۲۸).

«حیرت» در اصل لغت، به معنای سرگشتگی، بلاتکلیفی، و حالت توقف و تعلیق ذهن و دل در برابر امری بزرگ یا پیچیده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۲۸۸؛ جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۲، ص ۶۴۰؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۲۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۶۳). این حالت همیشه ناشی از شک نیست، بلکه گاهی نتیجه عظمت مسئولیت، پیچیدگی وظیفه یا دشواری شرایط است؛ از همین رو، حیرتی که در روایات مربوط به دوران غیبت کبری مطرح می شود، حیرت معرفتی یا تردید در وجود امام مهدی علیه السلام نیست، بلکه حیرتی تکلیفی و تربیتی است.

در این نوع حیرت، شیعه با وجود ایمان به امام، به سبب فتنه ها و فشارهای اجتماعی و عدم دسترسی مستقیم به امام، در عمل دچار بلاتکلیفی و اضطراب می شود. این حالت، آزمونی الهی برای سنجش استقامت مؤمن در مسیر حق و آمادگی او برای ظهور است. در روایاتی پر شمار، به حیرت امت در عصر غیبت تصریح شده است، ازجمله امام صادق علیه السلام با مقایسه غیبت حضرت مهدی علیه السلام با داستان یوسف علیه السلام، وضعیت امت را چنین توصیف می کنند که اگرچه حضرت در میان مردم حضور دارد و در بازارها رفت و آمد می کند، مردم او را نمی شناسند و در حیرت و سردرگمی به سر می برند تا زمانی که خداوند اجازه ظهور دهد و حضرت خود را معرفی کند (نعمانی، ۱۳۹۷ق، صص ۱۶۳-۱۶۴).

در روایتی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به صراحت از غیبت حضرت مهدی علیه السلام سخن گفته است و این دوران را زمان گمراهی امت ها معرفی می کنند تا زمانی که حضرت همچون

شهاب درخشان ظهور کند و جهان را سرشار از عدل و قسط سازد (ابن خزاز قمی رازی، ۱۴۰۱ق، ص ۶۷). همچنین امیرالمؤمنین (علیه السلام) از غیبت و حیرت در دوران قائم (علیه السلام) یاد می‌کند و می‌فرماید که در این دوران، جز مخلصان واقعی، کسی بر دین خود پایدار نمی‌ماند (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۳۰۴). این روایات به روشنی نشان می‌دهند که حیرت عصر غیبت، آزمونی بزرگ برای پالایش و آماده‌سازی شیعیان است و مفهومی فراتر از صرف تردید یا سرگردانی ظاهری دارد.

یکی دیگر از بحران‌های مهم عصر غیبت، بحران شبهات عقیدتی است که جامعه مؤمنان را به‌طور جدی تهدید می‌کند. این بحران نتیجه فعالیت گسترده جریان‌های انحرافی و گمراه‌کننده‌ای است که با طرح شبهات متنوع و به‌ظاهر مدرن، در پی تضعیف اعتقاد به امام مهدی (علیه السلام) و اصول مهدویت هستند. این جریان‌ها، چه در اصل وجود امام و چه در جزئیات امامت تلاش می‌کنند فضای فکری شیعه را مخدوش کنند و انتظار واقعی را کم‌رنگ سازند. در چنین شرایطی، بسیاری از مؤمنان در تشخیص حق از باطل دچار سردرگمی و بلاتکلیفی می‌شوند.

با این حال، طبق توقیع امام عصر (علیه السلام) به شیخ مفید، ایشان شیعیان را نسبت به مراقبت و محافظت الهی مطمئن کرده‌اند: «ما نسبت به مراقبت از شما کوتاهی نکرده‌ایم و یاد شما را فراموش نکرده‌ایم، و اگر چنین نبود، دشمنان، شما را نابود می‌کردند» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۹۷). همچنین امام صادق (علیه السلام) بر نقش عالمان ربانی در حفظ دین و مقابله با تحریفات تأکید کرده‌اند: «در هر نسل، افراد عادل از ما اهل بیت حضور دارند که تحریف غالیان، ادعاهای باطل‌کنندگان و تفسیر جاهلان را از دین دور می‌کنند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۲). این روایات نشان می‌دهد که مقابله با شبهات عقیدتی به بصیرت، آگاهی و تمسک به مرجعیت دینی و عالمان راستین نیازمند است.

بحران مدعیان مهدویت نیز از جدی‌ترین تهدیدهای اعتقادی و معرفتی عصر غیبت است. باور به ظهور منجی در آخرالزمان، عقیده‌ای مشترک میان مسلمانان و بسیاری از ادیان الهی است. در میان مسلمانان، شیعیان دوازده‌امامی معتقدند این موعود، امام دوازدهم و فرزند امام حسن عسکری (علیه السلام) است که در غیبت به سر می‌برد و روزی برای

بر پایی عدل جهانی ظهور خواهد کرد؛ با این حال، همین باور بنیادین، زمینه‌ساز شکل‌گیری جریان‌های انحرافی و ظهور مدعیان دروغین مهدویت شده است؛ پدیده‌ای که به مثابه بحران «مدعیان مهدویت» یا «متمّهدیان» شناخته می‌شود و تهدیدی جدی برای فکر و اجتماع شیعه است (درباره این مدعیان دروغین مهدویت نک: جعفریان، ۱۳۹۴، صص ۵۹-۳۷۷). مدعیان دروغین، یا خود به طور مستقیم ادعای مهدویت می‌کنند یا از سوی دیگران - به دلایل جهل، اغراض سیاسی و انگیزه‌های اجتماعی - با عنوان مهدی معرفی می‌شوند. از جمله مدعیان مستقیم می‌توان به عبیدالله المهدی - بنیان‌گذار فاطمیان - ، غلام احمد قادیانی، سید علی محمد باب، مهدی سودانی و ابن تومرت مراکشی اشاره کرد. در مقابل، برخی بدون ادعای مستقیم، توسط پیروان با عنوان مهدی شناخته شدند، مانند محمد بن حنفیه در نگاه کیسانیه، نفس زکیه، امام صادق (علیه السلام) در نگاه ناووسیه، امام کاظم (علیه السلام) در نگاه واقفیه، و سید محمد بن علی الهادی در نگاه محمدیه. شواهد تاریخی نشان می‌دهد دشمنان خارجی و قدرت‌های استعماری از این جریان‌ها برای تضعیف ایمان، ایجاد تفرقه و ضربه به مرجعیت دینی بهره برده‌اند؛ نمونه بارز، سید محمدعلی باب بود که ابتدا خود را نایب خاص امام معرفی کرد و بعدها با حمایت استعمار، ادعای مهدویت و حتی نبوت نمود. اسناد پرشماری حاکی از نقش آفرینی قدرت‌هایی چون روسیه تزاری و انگلستان در تقویت این فتنه و تضعیف جامعه شیعی است (ایوانف، به نقل از افراسیابی، ۱۳۸۲، ص ۲۷۶؛ محیط طباطبایی، ۱۳۸۹ق، ص ۲۴؛ صبحی مهتدی، ۱۳۵۶، صص ۵۲-۵۳).

این جریان از سده نخست قمری آغاز شده و تاکنون ادامه یافته است و انگیزه‌هایی چون قدرت‌طلبی، کسب موقعیت اجتماعی و اقتصادی، بهره‌برداری دشمنان برای تفرقه، و حتی اختلالات روانی و توهم شخصی، در آن نقش داشته است.

در توقیع صادره به علی بن محمد سمري، امام عصر (علیه السلام) به صراحت فرمودند: «به زودی کسانی از شیعیان من خواهند آمد که ادعای مشاهده می‌کنند. آگاه باشید! هر کس پیش از خروج سفیانی و وقوع صیحه، ادعای مشاهده کند، دروغ گو و افترا زننده است» (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۵۱۶؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۹۵؛ طبرسی، ۱۳۹۰ق، ص ۴۴۵؛ قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۱۲۹؛ بهاء‌الدین نیلی نجفی، ۱۳۶۰، ص ۱۳۰). این نص صریح، دروغ‌گویی هر مدعی

مشاهده یا ارتباط مستقیم با امام در دوران غیبت کبری را به روشنی باطل اعلام می کند.

۲-۱-۲. سنت های الهی مرتبط با بحران های اعتقادی و معرفتی و کارکردهای آن

در برابر بحران های اعتقادی و معرفتی عصر غیبت، سنت های الهی نقشی بنیادین در تقویت ایمان، پالایش باورها و هدایت جامعه مؤمنان ایفا می کنند.

۲-۱-۲-۱. سنت امتحان و تمحیص، با کارکرد پالایش جامعه و آماده سازی هسته سخت مؤمنان

برای نصرت امام علیه السلام

خداوند امت ها را با آزمون های دشوار می آزماید تا صف خالصان از اهل شک و ضعف جدا شود: «أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يَتَزَكَوْا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ؛ آیا مردم گمان کرده اند، همین که بگویند: «ایمان آوردیم»، [به حال خود] رها می شوند و مورد آزمایش قرار نمی گیرند؟» (عنکبوت، ۲).

این سنت در بحران حیرت و سرگردانی معرفتی، با غربال گری تدریجی، مؤمنان واقعی را مشخص می کند. افراد فرصت طلب و ناپایدار از بدنه جامعه جدا می شوند و «هسته سخت مؤمنان» شکل می گیرد؛ همان گروهی که در هنگام ظهور، آماده یاری امام علیه السلام خواهند بود. این پالایش، ایمان را عمیق تر و باورها را ریشه دارتر می سازد. این موضوع در کتاب التمحیص اثر ابوعلی محمد بن همام اسکافی (قرن چهارم قمری) نیز مطرح شده؛ جایی که روایات مربوط به امتحان و غربال گری شیعیان در عصر غیبت گرد آمده است (اسکافی، ۱۴۳۰ق).

۲-۱-۲-۲. سنت هدایت، با کارکرد افزایش بصیرت و تربیت منتظران آگاه

در دوران غیبت، خداوند مسیر هدایت را از طریق قرآن، اهل بیت علیهم السلام و عالمان ربانی همواره تداوم می بخشد: «وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا رَآدَهُمْ هُدًى؛ و کسانی که هدایت یافته اند، [خداوند] بر هدایتشان می افزاید» (محمد، ۱۷). این هدایت تدریجی، سبب تعمیق ایمان، افزایش بصیرت و دستیابی به بلوغ معرفتی می شود. مؤمنان با عبور از حیرت و سردرگمی، به

منتظرانی آگاه، مسئول و آماده برای نقش آفرینی در مسیر ظهور تبدیل می گردند.

۲-۱-۲. سنت نصرت الهی، با کارکرد تقویت مقاومت و هدایت جامعه به سوی انتظار فعال

خداوند وعده داده است که بندگان مؤمن را یاری کند: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا؛ ما قطعاً فرستادگان خود و کسانی که ایمان آورده‌اند را یاری می کنیم» (غافر، ۵۱). این یاری، هم با تقویت درونی ایمان و هم از طریق عوامل بیرونی مانند عالمان بصیر و مجاهدان فکری تحقق می یابد؛ چنین نصرتی، اراده مقاومت را زنده نگه می دارد و جامعه را از افتادن در دام یأس و انفعال حفظ می کند و به سوی انتظار فعال و آمادگی برای ظهور سوق می دهد.

۲-۱-۴. سنت امهال و استدراج، با کارکرد افشای تدریجی باطل و بیداری جامعه

خداوند به منحرفان و مدعیان دروغین، فرصت می دهد تا باطل گرایی شان آشکار شود: «سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ؛ به تدریج آنان را از جایی که نمی دانند، [به سوی هلاکت] خواهیم برد» (اعراف، ۱۸۲).

این فرصت سبب می شود چهره واقعی مدعیان و منحرفان به تدریج بر همگان آشکار شود. این افشاگری تدریجی، نقش بازدارنده دارد و شب می گردد جامعه فریب ظاهر فریبده آنان را نخورد. کنار این سنت، ایمان مؤمنان نیز با سنت تثبیت تقویت می شود تا در برابر لغزش ها مقاومت کنند: «يَبْتَئُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ؛ خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند، به سبب گفتار [و اعتقاد] ثابت [و استواری که پذیرفته‌اند]، ثابت قدم و پایدار می دارد» (ابراهیم، ۲۷).

۲-۱-۵. سنت پیروزی حق و شکست باطل، با کارکرد ایجاد امید و جلوگیری از یأس و انفعال در

مسیر تحقق حکومت عدل جهانی

خداوند می فرماید: «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ؛ بگو: حق آمد و باطل نابود شد»

(اسراء، ۸۱).

و عده غلبه حق، امید واقعی به جامعه می‌دهد و مانع فروپاشی روانی و اعتقادی می‌شود. جامعه با تکیه به این وعده، از یأس و انفعال نجات می‌یابد و همواره در حالت آماده‌باش برای تحقق حکومت عدل جهانی باقی می‌ماند.

۲-۱-۲. سنت استخلاف و وراثت صالحان، با کارکرد تقویت وحدت و رسالت جمعی و آماده‌سازی

جامعه برای ظهور

خداوند وعده داده است: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ؛ و [سوگند یاد می‌کنم که] در زبور بعد از ذکر (تورات) [چنین] نوشتیم که زمین را بندگان صالح من به ارث می‌برند» (انبیاء، ۱۰۵).

این وعده، چشم‌اندازی روشن و مشترک برای جامع؛ مؤمنان ترسیم می‌کند، وحدت اجتماعی را تحکیم می‌بخشد، و روحیه مسئولیت‌پذیری جمعی را در مسیر آمادگی برای ظهور تقویت می‌کند.

در مجموع این سنت‌های الهی با تقویت ایمان، بازدارندگی از انحراف، و ایجاد وحدت و امید، بحران‌های عصر غیبت را به فرصتی تربیتی و تمدنی تبدیل می‌کنند و زمینه‌ساز شکل‌گیری «جامعه منتظر آگاه، مقاوم و امیدوار» برای یاری امام موعود عجل الله تعالی فرجه و تحقق حکومت عدل جهانی می‌شوند.

۲-۲. بحران اجتماعی و هویتی در عصر غیبت کبری

بحران اجتماعی و هویتی، یکی از عمیق‌ترین و خطرناک‌ترین چالش‌های جامعه شیعه در عصر غیبت کبری است؛ بحرانی که نه تنها انسجام اجتماعی را متزلزل می‌کند، بلکه هویت دینی و جمعی امت را با تهدیدی جدی روبه‌رو می‌کند.

۲-۲-۱. تضعیف انسجام اجتماعی؛ چهره بحران هویتی

امت در غیبت امام معصوم عجل الله تعالی فرجه، دچار سرگردانی، شکاف‌های درونی و ضعف روح جمعی می‌شود؛ به گونه‌ای که در روایات پرشماری به تفرقه، بیزاری، و تضعیف

مشارکت امت اشاره شده است. قرآن کریم می‌فرماید: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ؛ بگو: به من بگوئید، اگر آب [مورد نیاز] شما در زمین فرو رود، کیست که برایتان آب روان [پدید] آورد؟» (ملک، ۳۰). امام کاظم علیه السلام در تفسیر این آیه می‌فرماید: «هنگامی که امام خود را از دست دهید و او را نینید، چه خواهید کرد؟» (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ص ۱۲۵؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۳۶۰؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۶۰). امام صادق علیه السلام در روایتی دیگر، وضعیت امت در دوران غیبت را چنین توصیف می‌فرماید: «چه حال خواهید داشت آنگاه که بدون امام هدایتگر و بدون پرچم روشنگر باقی بمانید؟ در آن زمان برخی از شما از برخی دیگر بیزاری می‌جویند. در همان هنگام، شما متمایز، پالایش و غربال خواهید شد» (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ص ۱۳۰؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۳۴۸؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۴۱). این روایت از بیزاری گروه‌ها از یکدیگر، غربال‌گری شدید و انشعابات داخلی خبر می‌دهد. همچنین در روایت دیگری، حضرت درباره ظهور پرچم‌های مشتبه و جریان‌های متفرق می‌فرماید: «و به‌راستی دوازده پرچم (یا عَلم) برافراشته خواهد شد که شبیه به هم هستند و معلوم نمی‌شود کدام یک از کدام است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، صص ۳۳۶ و ۳۳۹؛ ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ص ۱۲۶؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق، صص ۱۵۲-۱۵۳؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۳۴۷؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۳۸). این پرچم‌ها نماد پیدایش فرقه‌ها و گروه‌هایی هستند که هریک ادعای حق‌گرایی دارند و در عمل، جامعه را به تفرقه و آشفتگی سوق می‌دهند. این تفرقه و چندپارگی، به‌طور مستقیم به کاهش انسجام اجتماعی می‌انجامد. امام حسین علیه السلام فرمود:

آن امر (ظهور) که انتظارش را می‌کشید، تحقق نخواهد یافت تا زمانی که برخی از شما از برخی دیگر بیزاری جویند، برخی به صورت برخی دیگر آب دهان بیندازند، برخی یکدیگر را به کفر متهم کنند و برخی یکدیگر را لعنت نمایند. راوی عرض کرد: در آن زمان چه خیری وجود دارد؟ امام حسین علیه السلام فرمود: تمام خیر در همان زمان است؛ در آن زمان، قائم ما قیام خواهد کرد و همه آن را برطرف خواهد ساخت (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۲۰۶).

این تصویر تلخ، از جامعه‌ای حکایت می‌کند که در آن، محبت، اعتماد و همبستگی

جای خود را به لعن، تکفیر و تهمت داده است.

در دعای شریف افتتاح نیز این واقعیت به روشنی ترسیم شده است: «وَكثْرَةَ عَدُوِّنَا، وَقِلَّةَ عَدَدِنَا، وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا، وَتَظَاهِرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا؛ فزونی دشمنان ما، کمی شمار ما، شدت فتنه‌هایی که ما را فرا گرفته، و همدستی و یورش زمانه بر ضد ما» (قمی، بی‌تا). این بیان، از پراکندگی، کمی یاران و شدت فتنه‌ها سخن می‌گوید و عمق بحران اجتماعی و هویتی را آشکار می‌سازد.

در دعای عهد نیز تعابیر مشابهی دربارهٔ غربال‌گری مؤمنان، فتنه‌ها و آمادگی برای نصرت امام علیه السلام وجود دارد (نک: قمی، بی‌تا).

۲-۲-۲. سنت‌های الهی مرتبط با بحران اجتماعی و هویتی و کارکردهای آنها

بحران اجتماعی و هویتی در عصر غیبت، با تفرقه، تضعیف هویت دینی و کاهش روح مقاومت همراه است. در این شرایط، سنت‌های الهی به مثابهٔ قوانین ثابت و حکیمانه، نقشی کلیدی در مدیریت بحران، تقویت هویت و آمادگی برای ظهور ایفا می‌کنند.

۲-۲-۲-۱. سنت آزمایش و امتحان الهی با کارکرد پالایش جامعه و تقویت هویت ولایی

خداوند برای پالایش جامعه، امتحانات سختی مقرر کرده است تا صف مؤمنان واقعی از افراد سست‌عنصر و منفعت‌طلب جدا شود: «أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يَبْتَزُّوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ؛ آیا مردم گمان کرده‌اند، همین که بگویند: ایمان آوردیم، رها می‌شوند و آنان [به وسیلهٔ جان، مال، اولاد و حوادث] مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟» (عنکبوت، ۲).

این سنت صفوف جامعه را غربال می‌کند و هسته‌ای مقاوم، متعهد و برخوردار از هویت ولایی برجای می‌گذارد.

۲-۲-۲-۲. سنت نصرت الهی و پیروزی اهل حق بر باطل با کارکرد تقویت روحیهٔ مقاومت و ایجاد

امید پایدار در جامعه

این سنت از وعده‌های قطعی الهی است: «وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ؛ و

یاری کردن مؤمنان حق است که بر عهده ماست» (روم، ۴۷).

باور به نصرت الهی و غلبه نهایی حق، با ایجاد امیدی پایدار و افقی روشن، روحیه مقاومت را در جامعه زنده نگه می‌دارد و از فروپاشی روانی و اجتماعی در برابر فتنه‌ها و تفرقه‌ها جلوگیری می‌کند.

۲-۲-۳. سنت استخلاف و وراثت زمین با کارکرد یادآوری رسالت تاریخی و حفظ هویت فعال و مقاوم

خداوند وعده داده است: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، وعده داده است که قطعاً آنان را در زمین، جانشین [امت‌های صالح گذشته] کند [و حکومت بخشد]» (نور، ۵۵).

باور به وراثت نهایی صالحان، سبب تقویت انگیزه، احساس مسئولیت اجتماعی و تداوم هویت دینی می‌شود و جامعه را از سقوط در بحران هویتی و انفعال نجات می‌دهد.

۲-۲-۴. سنت امداد الهی با کارکرد تقویت پایداری و حفظ جامعه در برابر بحران‌ها و تهدیدها

این سنت به مثابه نیروی پنهان و تقویت کننده، جامعه مؤمنان را در دوران بحران‌های شدید حفظ می‌کند. خداوند در شرایطی که بسیاری از افراد دچار تردید و پراکندگی می‌شوند، به واسطه امداد غیبی، بدنه اصلی جامعه را تثبیت و حمایت می‌کند: «بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّنْ فُورِهِمْ هَذَا يَمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ؛ اگر صبر کنید و تقوا داشته باشید و دشمنان همین الآن به سراغتان بیایند، [همان گاه] پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشاندار یاری می‌دهد» (آل عمران، ۱۲۵)، «إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَبَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْأَلْفِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدَفِينَ؛ [یاد کنید] هنگامی را که [با مشاهده کثرت دشمن و تجهیزات او در میدان بدر] از پروردگارتان یاری خواستید، و او درخواست شما را اجابت کرد [و به شما وعده داد] که من شما را با هزارفرشته از فرشتگان که فرشتگانی دیگر به دنبال دارند، یاری خواهم کرد» (انفال، ۹).

خداوند در آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» اوست که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر هر چه [به نام] دین است پیروز گرداند؛ هر چند مشرکان را بسی ناخوش آید» (توبه، ۳۳)، وعده داده است که دین حق را بر همه جبهه‌های فکری غالب خواهد کرد. تحقق این وعده مستلزم بقای دین تا پایان تاریخ و نیز حضور همیشگی حجت الهی است؛ زیرا دین بدون حجت، در برابر تحریف و انحراف مصون نخواهد ماند. بر اساس روایات نیز زمین هیچ‌گاه از حجت الهی خالی نمی‌ماند: «لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ يَوْمًا وَاحِدًا إِلَّا إِمَامًا مِنَّا لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا؛ اگر زمین حتی یک روز بدون امامی از ما (اهل بیت) باقی بماند، زمین اهل خود را در کام فرو می‌برد» (طبری آملی صغیر، ۱۴۱۳ق، ص ۴۳۶).

این سنت ضامن بقای هویت دینی و استمرار تاریخی جامعه شیعه است. حضور امام غایب حتی در پس پرده، به مثابه محور معنوی و امنیت الهی، جامعه را از سقوط اعتقادی و هویتی حفظ می‌کند.

به گفته علامه طباطبایی، برخی مخالفان شیعه بر این باورند که چون در دوران غیبت دسترسی به امام ممکن نیست، وجود او بی‌فایده خواهد بود. علامه طباطبایی در پاسخ تأکید می‌کند که وظیفه امام تنها هدایت ظاهری نیست، بلکه نقش بنیادین او، هدایت باطنی و تکوینی و واسطه‌گری در فیض الهی است. حتی در حال غیبت نیز امام ضامن بقای عالم و راهنمای ارواح انسان‌هاست و غیبت جسمانی مانع از انجام این نقش نمی‌شود؛ از این رو وجود امام ضرورتی انکارناپذیر است و ظهور او در زمان مقرر الهی تحقق خواهد یافت (طباطبایی، ۱۳۷۸، صص ۲۳۵-۲۳۶).

۲-۳. بحران اخلاقی و فرهنگی

یکی از ابعاد مهم بحران عصر غیبت، بحران اخلاقی و فرهنگی است که با دنیاگرایی، رفاهدگی، تضعیف روحیه ایثار و بی‌توجهی به ارزش‌های دینی بروز می‌یابد. این

وضعیت با ترویج ارزش‌های مادی و فردگرایی، ایمان و مسئولیت‌پذیری را تضعیف می‌کند و جامعه را از آرمان‌های مهدوی و فرهنگ انتظار فعال دور می‌سازد، و زمینه‌ساز بحران‌های عمیق‌تر اعتقادی و هویتی می‌شود.

۲-۳-۱. معرکه سبک زندگی و عقاید راهبرد دشمن در بحران اخلاقی و فرهنگی

بحران اخلاقی و فرهنگی، دارای دو مرحله یا دو سطح اساسی است:

۲-۳-۱-۱. معرکه سبک زندگی و نظام ارزش‌های عملی و فرهنگی جوامع مسلمان

در مرحله «معرکه سبک زندگی»، دشمنان با ترویج رفاه‌زدگی، فردگرایی، مدگرایی، مناسبت‌های غربی، و سرگرمی‌های غفلت‌زا در صدد تخریب تدریجی سنت‌های دینی، سست کردن سبک زندگی اسلامی، و تضعیف هویت فردی و جمعی مؤمنان هستند. این جنگ نرم با هدف دور کردن نسل جوان از شعائر دینی، کاهش روحیه عبادت و مشارکت اجتماعی، و گسستن پیوندهای ایمانی زمینه سلطه فکری و فرهنگی دشمن را فراهم می‌کند.

۲-۳-۲. معرکه عقاید و شبهه‌افکنی در باورها

در مرحله «معرکه عقاید»، دشمنان به‌طور مستقیم، باورهای بنیادین مسلمانان را هدف قرار می‌دهند تا پس از تخریب سبک زندگی، ساختار اعتقادی امت را نیز فرو بریزند. این هجمه‌ها به صورت سازمان‌یافته و هدفمند، از طریق رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و جریان‌های انحرافی دنبال می‌شود و با ایجاد شک و تردید، در پی تضعیف اخلاق اسلامی و ترویج دنیاگرایی، رفاه‌زدگی و فردگرایی است. نتیجه چنین روندی، انفعال تدریجی، پذیرش فرهنگ‌های تحمیلی و فاصله گرفتن از مأموریت تمدنی جامعه اسلامی در زمینه‌سازی ظهور خواهد بود.

به این ترتیب، «معرکه سبک زندگی» جنگی برای تخریب فرهنگ عملی و تغییر الگوی زیست مسلمانان است، و «معرکه عقاید» جنگی برای فروپاشی بنیان‌های

ایمانی است، و هردو کنار هم، بحرانی عمیق در حوزه اخلاق و فرهنگ جامعه اسلامی پدید می‌آورند.

گرچه معرکه عقاید از نظر ماهیت، به‌طور مستقیم با بحران اعتقادی و معرفتی مرتبط است و بخشی از آن در مبحث گذشته بررسی شد، در اینجا تمرکز بر پیامدهای فرهنگی و اخلاقی این معرکه است؛ زیرا هجمه به باورهای بنیادین تنها به تزلزل فکری ختم نمی‌شود، بلکه به تضعیف فضائل اخلاقی همچون ایثار، تقوا، زهد و مسئولیت‌پذیری نیز می‌انجامد.

۲-۳-۲. سنت‌های الهی مرتبط با بحران اخلاقی و فرهنگی و کارکردهای آن

در مواجهه با بحران اخلاقی و فرهنگی عصر غیبت، سنت‌های الهی با نقش پالایش، بازسازی هویت معنوی و حفظ ارزش‌های اصیل، راهبردی مؤثر برای تربیت جامعه‌ای مقاوم و منتظر فراهم می‌کنند.

۲-۳-۱. سنت آزمایش با کارکرد پالایش اخلاقی و تربیت هسته مقاوم جامعه

خداوند جوامع را با رفاه، قدرت و سختی‌ها می‌آزماید تا میزان وفاداری به ارزش‌های الهی و پایبندی به اصول اخلاقی مشخص شود: «أَحْسِبُ النَّاسَ أَنْ يَتَذَكَّرُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ؟ آیا مردم گمان کرده‌اند، همین که بگویند: ایمان آوردیم، رها می‌شوند و آنان [به‌وسیله جان، مال، اولاد و حوادث] مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟» (عنکبوت، ۲).

در شرایطی که دشمنان با ترویج رفاه‌گرایی، مصرف‌گرایی، و سبک زندگی غربی، ارزش‌های اسلامی همچون زهد، ایثار، قناعت و تقوا را تضعیف می‌کنند، این سنت الهی سبب غربال‌گری اخلاقی و جداسازی اهل استقامت از مدعیان سطحی می‌شود. نتیجه این آزمایش شکل‌گیری «هسته سخت مؤمنان» است که در برابر جریان تحمیل‌شده جهانی مقاومت می‌کند و برای ایفای نقش در حکومت عدل جهانی آماده می‌شود.

۲-۳-۲. سنت زیادت هدایت با کارکرد تقویت تقوا و تربیت الگوهای اخلاقی و مقاوم در جامعه درباره این سنت خداوند می‌فرماید «وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ؛ و کسانی که هدایت یافته‌اند، [خداوند] بر هدایتشان می‌افزاید، و [روح] تقوای درخورشان را به آنان عطا می‌کند» (محمد، ۱۷).

در معرکه تهاجم فرهنگی - اخلاقی، مؤمنانی که در برابر تبلیغات رفاه‌محور و لذت‌طلبانه ایستادگی می‌کنند، بیشتر مشمول هدایت می‌شوند. چنین افرادی با تقویت تقوا و بینش، جامعه را در مسیر بازگشت به سبک زندگی اسلامی هدایت می‌کنند و روحیه مسئولیت‌پذیری و مشارکت اجتماعی را زنده نگه می‌دارند.

۲-۳-۳. سنت املا و استدراج با کارکرد افشای تدریجی فساد و هشدار به جامعه در برابر رفاه‌گرایی فریبنده

درباره این سنت خداوند می‌فرماید «سَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ؛ [و کسانی که آیات ما را تکذیب کرده‌اند،] به تدریج آنان را از جایی که نمی‌دانند، [به سوی هلاکت] خواهیم برد و به آنان مهلت می‌دهم؛ [زیرا] قطعاً تدبیر من سخت استوار است» (اعراف، ۱۸۲-۱۸۳).

این سنت به جوامعی که دچار دنیاگرایی و انحراف شده‌اند، به ظاهر فرصت و نعمت‌های ظاهری بیشتری عطا می‌کند تا در اتراف و لذت‌طلبی، فردگرایی، و رفاه‌زدگی غرق شوند. این وضعیت در ظاهر، یک پیشرفت و رفاه عمومی به نظر می‌رسد؛ اما درحقیقت یک نقشه تدریجی الهی برای افشای کامل فساد و آماده‌سازی زمینه سقوط نهایی آنهاست. جامعه با شناخت این سنت متوجه می‌شود که رفاه‌گرایی و تجمل، نشانه موفقیت نیست، بلکه می‌تواند مقدمه انحطاط و سقوط فرهنگی باشد.

۲-۳-۴. سنت «تزئین اعمال» با کارکرد زیباسازی انحرافات برای عادی‌سازی فساد

سنت «تزئین اعمال» از سنت‌های الهی است که در آن، بدی‌ها و انحرافات برای برخی از انسان‌ها زینت داده می‌شود: «زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ شیطان، آنچه را

انجام می‌دادند، برایشان زینت داده بود» (انعام، ۴۳).

در این آیه، منظور از «لهم» کسانی هستند که در برابر حق تسلیم نمی‌شوند و در کفر و گناه اصرار دارند.

این سنت در مرحله «معرکه سبک زندگی»، به مثابه خطری پنهان سبب زیبا جلوه‌دادن ارزش‌های انحرافی مانند مصرف‌گرایی، بی‌حجابی، فردگرایی و لذت‌جویی می‌شود. این روند، فساد را عادی‌سازی می‌کند، حساسیت اخلاقی را از میان می‌برد و روح مسئولیت‌پذیری دینی و اجتماعی را در نسل‌های جدید تضعیف می‌نماید.

۲-۳-۵. سنت بقای دین و حفظ حجت با کارکرد پاسداری از معنویت در بحران اخلاقی

همان‌گونه که در بحث بحران اعتقادی اشاره شد، سنت بقای دین و حفظ حجت، نقشی اساسی در صیانت از هویت دینی و زنده‌نگه‌داشتن امید و مقاومت در جامعه دارد. این سنت در حوزه بحران اخلاقی نیز با همان کارکرد، ضامن بقای معنویت و پاسدار ارزش‌های اصیل اخلاقی در جامعه است.

درمجموع این سنت‌ها راه را برای شکل‌گیری یک «جامعه منتظر بصیر، مقاوم و آماده» هموار می‌کنند؛ چنین جامعه‌ای با تکیه بر الگوهای مقاوم، در برابر فتنه‌های فکری و سبک زندگی تحمیلی ایستادگی می‌کند و زمینه‌ساز ظهور و حکومت عدل جهانی خواهد شد.

۲-۴. بحران سیاسی و راهبری

یکی از عمیق‌ترین و پیچیده‌ترین بحران‌های عصر غیبت، بحران سیاسی و راهبری است. قدرت‌های طاغوتی و مستکبران جهانی با طراحی نقشه‌هایی دقیق، درصدد تضعیف امت اسلامی از درون و جلوگیری از تحقق وعده‌های الهی در تشکیل حکومت عدل مهدوی هستند.

۲-۴-۱. انفعال سیاسی و سلطه نظام طاغوت؛ چهره بحران سیاسی

غلبه نظام‌های طاغوتی، روح مقاومت، ایثار و جهاد را تضعیف می‌کند و فرهنگ

سازش و رفاه‌زدگی را جایگزین می‌سازد. در نتیجه جامعه‌ای که مأمور به قیام و زمینه‌سازی ظهور است، گرفتار انفعال و تسلیم در برابر باطل می‌شود و اگر از وظیفه تمدنی خود غافل گردد، به جماعتی منفعل و مصرف‌کننده بدل خواهد شد.

نماد بارز این بحران، مسئله فلسطین است که فراتر از یک نزاع محلی، نماد ظلم طاغوت جهانی و انفعال دولت‌های اسلامی به شمار می‌رود. این مسئله، وجدان امت را در عدالت‌خواهی و ایستادگی در برابر ظلم محک می‌زند و شاخصی برای سنجش تعهد به آرمان‌های اسلامی و مهدوی است.

در نهایت بحران سیاسی و راهبری یا به انفعال و فراموشی وظیفه انتظار می‌انجامد یا فرصتی برای تقویت هویت دینی، احیای فرهنگ مقاومت، و حرکت به سوی حکومت عدل جهانی می‌شود. وظیفه اصلی مؤمنان شناخت دقیق فتنه، حفظ بصیرت، و ایفای نقش در تحقق وعده الهی است.

۲-۴-۲. سنت‌های الهی مرتبط با بحران سیاسی و راهبری و کارکردهای آن

سنت‌های الهی در برابر بحران سیاسی عصر غیبت، چارچوبی الهی برای پالایش صفوف، حفظ بصیرت سیاسی، تقویت روحیه مقاومت و آمادگی برای تحقق حاکمیت عدل جهانی فراهم می‌کنند. این سنت‌ها مسیر حرکت جامعه منتظر را از تفرقه و انفعال به سوی وحدت، پایداری و نقش‌آفرینی تمدنی هدایت می‌کنند.

۲-۴-۱. سنت ابتلا و تمحیص با کارکرد پالایش سیاسی و تربیت هسته مقاوم

خداوند در عرصه سیاسی، امت‌ها را می‌آزماید تا مجاهدان و صابران واقعی مشخص شوند: «وَلْتَبْلُواْ نَفْسَكُمْ حَتَّى تَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَتَبْلُواْ أَخْبَارَكُمْ»؛ و [سوگند یاد می‌کنم که] ما شما را آزمایش می‌کنیم تا از میان شما، مجاهدان [در راه خدا] و صابران [بر سختی‌های مسیر دین‌داری] را [برای شما] مشخص و معلوم نمایم، و [شما را می‌آزمایم] تا [حقیقت] اعمال و اسرار درونی شما را در بوتۀ آزمایش آشکار سازیم» (محمد، ۳۱).

سنت ابتلا و تمحیص، امت را در برابر انتخاب‌های حیاتی چون ایستادگی یا سازش، پذیرش سلطه یا مقاومت قرار می‌دهد. نتیجه این آزمون، جداسازی صف مؤمنان استوار از مصلحت‌طلبان و فرصت‌طلبان سیاسی است که زمینه ساز تشکیل «هسته مقاوم» برای یاری حجت الهی در عصر ظهور است.

۲-۲-۴-۲. سنت نصرت و وراثت با کارکرد تقویت روحیه مقاومت و زنده‌نگه داشتن امید حاکمیت الهی خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ؛ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین [دیگران] کند» (نور، ۵۵) و «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ؛ و همانا ما پس از تورات در زبور نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به میراث می‌برند» (انبیاء، ۱۰۵).

سنت نصرت و وراثت، امید به پیروزی نهایی و استقرار حاکمیت الهی را در دل جامعه زنده نگه می‌دارد. این وعده الهی، روحیه مقاومت در برابر استکبار و طاغوت را تقویت می‌کند و جامعه را از یأس و انفعال دور می‌سازد. باور به وراثت زمین، امت را به چشم‌اندازی مشترک و مأموریت تاریخی متعالی پیوند می‌زند.

۳-۲-۴-۲. سنت امهال و استدراج با کارکرد افشای چهره طاغوت و بیداری سیاسی جامعه قرآن کریم می‌فرماید: «سَسْأَنَدِرْجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ وَأُمْلَى لَهُمْ إِنَّ كَيِّدِي مَتِينٌ؛ و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، به تدریج از جایی که نمی‌دانند [به ورطه سقوط و هلاکت می‌کشانیم تا عاقبت به عذاب دنیا و آخرت دچار شوند]» (اعراف، ۱۸۲-۱۸۳).

سنت امهال و استدراج به طاغوت‌ها فرصت می‌دهد تا با طغیان کامل، چهره واقعی‌شان را آشکار کنند و استحقاق سقوط نهایی را پیدا کنند.

۴-۲-۴-۲. سنت پیروزی حق بر باطل با کارکرد تقویت ایستادگی و استکبارستیزی در جامعه خداوند می‌فرماید: «بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ؛ بلکه به وسیله

حق، چنان بر سر باطل می‌کوبیم که مغزش متلاشی شود و [در این درگیری حق و باطل، درحالی که دیگر کسی امید نمی‌برد که حق غالب شود،] ناگهان [باطل] نابود می‌شود» (انبیاء، ۱۸) و «إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا؛ به یقین، باطل نابودشدنی است» (اسراء، ۸۱).

سنت پیروزی حق بر باطل روحیه عدالت‌خواهی و استکبارستیزی را زنده نگه می‌دارد و با تقویت آگاهی، زمینه مقاومت مؤمنان در برابر سلطه‌پذیری، عادی‌سازی ظلم و انفعال سیاسی را فراهم می‌کند تا در مسیر تحقق عدالت جهانی استوار بمانند.

۲-۴-۲-۵. سنت غلبه دین حق با کارکرد حفظ مأموریت جهانی امت و جلوگیری از عقب‌نشینی

سیاسی و فکری

خداوند می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ؛ او ست که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان پیروز گرداند؛ هرچند مشرکان خوش نداشته باشند» (توبه، ۳۳).

این سنت، مأموریت جهانی و تاریخی امت را که زمینه‌سازی برای غلبه نهایی دین حق است، مشخص می‌کند. این وظیفه، امت را از عقب‌نشینی سیاسی و فکری باز می‌دارد و به آنان یادآوری می‌کند که نباید در برابر سلطه ظالمانه یا فرهنگی تسلیم شوند.

۲-۴-۲-۶. سنت هدایت و تثبیت با کارکرد حفظ استواری فکری و تقویت هویت سیاسی – ایمانی

جامعه

قرآن می‌فرماید: «يَبْتَئُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ؛ خدا مؤمنان را به سبب اعتقاد و ایمانشان در زندگی دنیا و آخرت ثابت قدم و پابرجا می‌دارد» (ابراهم، ۲۷).

سنت هدایت و تثبیت، ضامن استواری فکری و اخلاقی جامعه مؤمنان در برابر فتنه‌ها و فشارهای سیاسی است؛ امت را از سقوط در مقابل تهدیدها و فریب‌های دشمن حفظ می‌کند و پایه‌های هویت سیاسی – ایمانی را مستحکم می‌سازد.

در مجموع این سنت‌های الهی با تبدیل بحران سیاسی به فرصتی برای پالایش و رشد تمدنی، زمینه‌ساز شکل‌گیری «جامعه منتظر مقاوم، هوشیار و عدالت‌طلب» می‌شوند؛

جامعه‌ای که با ایستادگی در برابر طاغوت، در مسیر تحقق حاکمیت عدل جهانی گام برمی‌دارد.

گفتنی است مسئله فلسطین نماد روشنی از کارکرد سنت‌های الهی در مقابله با باطل و آزمون امت اسلامی است. این مسئله یک نزاع سرزمینی یا اختلاف سیاسی ساده نیست، بلکه بحرانی عمیق و ریشه‌دار است که یهودیت تحریف‌شده و صهیونیسم جهانی، آن را طراحی و تحمیل کرده است. اشغال سرزمین مقدس، غصب قدس شریف، آواره‌سازی میلیون‌ها فلسطینی و جنایات روزمره، بخشی از پروژه‌ای بزرگ برای تثبیت حاکمیت باطل و جلوگیری از تحقق وعده‌های الهی درباره حکومت عدل جهانی است. قرآن کریم بارها درباره فتنه‌های یهود هشدار داده و روحیه فتنه‌گری و فسادگستری یهود را به‌خوبی ترسیم کرده است (مائده، ۶۴)؛ روحیه‌ای که در مسئله فلسطین، به اوج خود رسیده و بحران سیاسی و هویتی عمیقی را بر امت تحمیل کرده است. اما نکته مهم این است که بحران فلسطین، پس از دهه‌ها اشغال و سرکوب، به فرصتی راهبردی و تمدنی برای امت اسلامی تبدیل شده است. عملیات طوفان الأقصى در ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ نقطه عطفی تاریخی بود که معادلات منطقه‌ای و جهانی را دگرگون کرد؛ عملیاتی که اقتدار پوشالی رژیم صهیونیستی را در هم شکست، ضعف سازش‌کاران را آشکار کرد و موج بیداری و مقاومت را در دل ملت‌های مسلمان و آزادگان جهان زنده کرد. این تحول نشان داد که بحران فلسطین می‌تواند زمینه بازگشت امت به هویت اصیل دینی و رسالت تاریخی‌اش شود. از سویی، مقاومت فلسطین تجلی سنت الهی نصرت مؤمنان و شکست باطل است و از سوی دیگر، این قیام مرزهای جغرافیایی را درنوردید و پیام مقاومت و انتظار فعال مهدوی را به وجدان‌های بیدار در سراسر جهان منتقل کرد و تحقق تدریجی سنت استخلاف و وراثت صالحان را یادآوری نمود. این تحولات، مصداقی روشن از سنت تمحیص و غربال‌گری امت است. مسئله فلسطین این سنت الهی را به صورت ملموس محقق کرد و صفوف مؤمنان راستین را از مدعیان سازش‌کار جدا ساخت.

از این منظر، بحران فلسطین آزمونی الهی برای جامعه منتظر است؛ جامعه‌ای که

مأمور به آماده‌سازی زمینه‌های ظهور و تشکیل حکومت عدل جهانی است. بنابراین بحران سیاسی فلسطین، امروز به فرصتی بزرگ برای احیای امت، بازگشت به هویت توحیدی، و تحقق وعده‌های قطعی الهی تبدیل شده است. این بحران، هم هشدار و هم بشارت است؛ هشدار به عاقبت سازش و سکوت، و بشارت به پیروزی نهایی حق و ظهور قریب‌الوقوع عدالت جهانی مهدوی.

نتیجه‌گیری

بررسی بحران‌های پر شمار عصر غیبت نشان می‌دهد که جامعه شیعی در این دوران حساس، با چالش‌های عمیق اعتقادی، اجتماعی، اخلاقی و سیاسی مواجه است؛ بحران‌هایی که در فقدان دسترسی مستقیم به امام معصوم علیه السلام، نفوذ جریان‌های انحرافی و قدرت‌های استکباری، و سست شدن بنیان‌های هویتی و فرهنگی ریشه دارد؛ در این شرایط، سنت‌های الهی به مثابه قوانین ثابت و حکیمانه الهی، نقشی اساسی در مهار و مدیریت این بحران‌ها ایفا می‌کنند.

این پژوهش نشان داد که سنت‌هایی همچون امتحان و تمحیص، هدایت مشروط به مجاهده، استدراج، نصرت و وراثت، و پیروزی نهایی حق، هریک کارکردهایی متنوع و کلیدی از غربالگری اجتماعی و بازدارندگی در برابر انحرافات، تا تقویت هویت جمعی، حفظ روحیه مقاومت، و جلوگیری از سقوط به یأس و انفعال دارند.

یکی از دستاوردهای این مقاله، تبیین این حقیقت است که سنت‌های الهی می‌توانند تهدیدهای عصر غیبت را به فرصت‌های تربیتی و تمدنی تبدیل کند و جامعه را به جای تسلیم، به سوی انتظار فعال، زمینه‌سازی ظهور و ایفای نقش تمدنی سوق دهند؛ بدین ترتیب، در پرتو این سنت‌ها، جامعه اسلامی می‌تواند با حفظ هویت و تقویت اراده فردی و جمعی، عصر غیبت را به مدرسه‌ای برای رشد، بصیرت و آمادگی بدل کند و به رسالت عظیم خود در یاری امام عصر علیه السلام دست یابد.

بحران	ابعاد و مؤلفه‌ها	سنن‌های الهی مرتبط	کارکردهای کلیدی سنن‌ها
بحران اعتقادی و معرفتی	- حیرت و وظیفه‌ای و امتحانی - شبهات عقیدتی - ظهور مدعیان - دروغ‌بین - مهدویت	- سنن امتحان و تمحیص - سنن هدایت - سنن نصرت الهی - سنن استدراج - سنن پیروزی حق - سنن استخلاف	- غربال‌گری معرفتی و جداسازی مؤمنان ثابت‌قدم از متزلزلان - تقویت بصیرت و تربیت «منتظر آگاه» - حمایت معنوی و رفع یأس از جامعه - افشای تدریجی مدعیان دروغین و جریان‌های انحرافی - تقویت امید به تحقق وعده‌های الهی و انسجام اعتقادی
بحران اجتماعی و هویتی	- تفرقه داخلی - ضعف انسجام جمعی - کاهش روحیه مشارکت و همبستگی	- سنن امتحان و پالایش - سنن پیروزی اهل حق - سنن استخلاف و وراثت - سنن امداد الهی - سنن بقای دین	- پالایش و جداسازی عناصر فرصت‌طلب - تقویت هویت ولایی و انسجام اجتماعی - تثبیت روحیه مقاومت و مشارکت جمعی - حفظ جامعه از سقوط اجتماعی و روانی - یادآوری رسالت تاریخی و آماده‌سازی برای حکومت عدل جهانی
بحران اخلاقی و فرهنگی	- دنیاگرایی، رفاه‌زدگی، مصرف‌گرایی - تضعیف زهد، ایثار و تقوا - ترویج سبک زندگی و ارزش‌های انحرافی	- سنن آزمایش - سنن زیادت هدایت - سنن استدراج - سنن تزیین اعمال - سنن بقای دین و حجت	- پالایش اخلاقی - تربیت الگوهای اخلاقی مقاوم - هشدار به جامعه درباره رفاه‌زدگی و انحطاط پنهان - افشای زیباسازی کاذب ارزش‌های منحرف - پاسداری از هویت معنوی و بستر بازگشت به مسیر الهی

بحران	ابعاد و مؤلفه‌ها	سنت‌های الهی مرتبط	کارکردهای کلیدی سنت‌ها
تهدید به هویت و راهبردی	- سلطه طاغوت و استکبار	- سنت ابتلا و تمحیص	- تربیت هسته مقاوم سیاسی و مجاهدان واقعی
	- تضعیف روح مقاومت	- سنت نصرت و وراثت	- تقویت امید به تحقق حاکمیت عدل جهانی
	- انفعال در وظیفه تمدنی	- سنت استدراج	- افشای ماهیت طاغوت و بیداری سیاسی امت
		- سنت پیروزی حق بر باطل	- جلوگیری از سازش و تسلیم در برابر ظلم
		- سنت غلبه دین حق	- یادآوری مأموریت جهانی امت
		- سنت هدایت و تثبیت	- حفظ هویت سیاسی و ایمان به پیروزی نهایی

فهرست منابع

* قرآن کریم

- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله. (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد (محقق و مصحح: محمد ابوالفضل ابراهيم، ج ۳ و ۱۴). قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي.
- ابن بابويه، علی بن حسین. (۱۴۰۴ق). الإمامة و التبصرة من الحيرة. قم: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام.
- ابن بابويه، محمد بن علی. (۱۳۹۵ق). کمال الدین و تمام النعمة (محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، ج ۱ و ۲). تهران: اسلامیه.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی. (۱۴۰۹ق). شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام (محقق و مصحح: محمد حسین حسینی جلالی، ج ۳). قم: جامعه مدرسين.
- ابن خزاز قمی رازی، علی بن محمد. (۱۴۰۱ق). کفاية الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثني عشر (محقق و مصحح: عبداللطيف حسینی کوهکمری). قم: نشر بيدار.
- ابن طیفور، احمد بن أبی طاهر. (بی تا). بلاغات النساء. قم: الشریف الرضی.
- ابن فارس، احمد بن فارس. (۱۴۰۴ق). معجم مقایس اللغة (محقق و مصحح: عبدالسلام محمد هارون، ج ۲). قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- اسکافی، محمد بن همام. (۱۴۳۰ق/۱۳۸۸). تکامل و طهارت روح: ترجمه کتاب التمحیص (مترجم: عبدالله صالحی نجف آبادی). قم: نورالسجاد.
- ایوانف، میخائیل سرگیویچ. نهضت باییت در ایران [اسناد آرشیو وزارت خارجه روسیه، پرونده شماره ۱۳۳ تهران، گزارش سفیر دالگورکی به وزیر امور خارجه نسلرود، ۱۰ ژوئن ۱۸۵۰م/۲۰ خرداد ۱۲۲۹]. به نقل از: افراسیابی، بهرام. (۱۳۸۲). تاریخ جامع بهائیت. تهران: مهر فام.
- بهاء الدین نیلی نجفی، علی بن عبدالکریم. (۱۳۶۰). منتخب الأنوار المضيئة فی ذکر القائم الحجة عليه السلام (محقق و مصحح: عبداللطيف حسینی کوهکمری). قم: مطبعة الخيام.

جعفریان، رسول. (۱۳۹۴). مهدیان دروغین به ضمیمه شش رساله: در شرح حدیث دولتنا فی آخر الزمان؛ رساله مبشره شاهیه؛ گزارش سه رساله درباره زمان ظهور مهدی عج؛ رساله الهدی؛ رساله درباره خروج سفیانی؛ تباشیر المحرومین (اثر تاج‌الدین حسین صاعد، علی طوسی شریف، محمد بن پاینده ساوی، سید محمد نوربخش خراسانی، و محمد واعظ یزدی حائری، چاپ دوم). تهران: نشر علم.

جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶ق). الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربية (محقق و مصحح: احمد عبد الغفور عطار، ج ۲). بیروت: دارالعلم للملایین.

خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۶). تفسیر سورة براءت. تهران: انقلاب اسلامی.

خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۹). صحیفه امام (ج ۱، چاپ پنجم). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن (ج ۱). بیروت: دارالقلم.
 زیدان، عبدالکریم. (۱۴۱۳ق). السنن الإلهیة فی الأمم و الجماعات و الأفراد فی الشریعة الإسلامیة. بیروت: مؤسسة الرسالة.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۲۱ق). الإلتقان فی علوم القرآن (محقق: فواز احمد زمرلی، ج ۱، چاپ دوم). بیروت: دارالکتاب العربی.

صبحی مهتدی، فضل‌الله. (۱۳۵۶). پیام پدر. تهران: امیرکبیر.

صدر، سید محمدباقر. (۱۳۸۱). سنت‌های تاریخ در قرآن (مترجم و محقق: سید جمال‌الدین موسوی اصفهانی، چاپ سوم). تهران: تفاهم.

طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۸). شیعه در اسلام. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۱، چاپ دوم). بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

طباطبایی، محمدحسین. (۱۴۲۷ق). تفسیر البیان فی الموافقة بین الحدیث و القرآن (محقق: اصغر ارادتی، ج ۱). بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.

طبرانی، سلیمان بن احمد. (۲۰۰۸م). التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (ج ۳). اردن- اربد: دارالکتاب الثقافی.

طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ق). الإحتجاج علی أهل اللجاج (محقق و مصحح: محمد باقر خراسان، ج ۱ و ۲). مشهد: نشر مرتضی.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (مصححان: فضل الله یزدی طباطبائی و هاشم رسولی، ج ۵، چاپ سوم). تهران: ناصر خسرو.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۹۰ق). إعلام الوری بأعلام الهدی (ط - القدیمة) (چاپ سوم). تهران: اسلامیة.

طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم. (۱۴۱۳ق). دلائل الإمامة. قم: بعثت.

طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری) (ج ۱۰). بیروت: دارالمعرفة.

طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۱ق). الغیبة (للطوسی) // کتاب الغیبة للحجة (محقق و مصحح: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح). قم: دارالمعارف الإسلامية.

فاضلیان، نفیسه سادات. (۱۳۸۸). پیوند سنت‌های الهی با مهدویت. انتظار موعود، (۳۰)، صص ۱۱۷-۴۴.

فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). کتاب العین (ج ۳). قم: نشر هجرت.

قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). تفسیر نور (ج ۳، چاپ یازدهم). تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبة الله. (۱۴۰۹ق). الخرائج و الجرائح (ج ۳). قم: مؤسسه امام مهدی علیه السلام.

قمی، شیخ عباس. (بی تا). کلیات مفاتیح الجنان (مترجم: الهی قمشه‌ای). تهران: انتشارات اسوه.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (محقق و مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج ۱، چاپ چهارم). تهران: دارالکتب الإسلامية.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۰۳ق). بحارالأنوار (ج ۳۲، ۳۳، چاپ دوم). بیروت: دار
 إحياء التراث العربی.

محیط طباطبایی، محمد؛ ولایتی، علی اکبر؛ تسخیری، محمدعلی؛ بحر العلوم میردامادی، محمود؛
 ابوالحسنی (منذر)، علی؛ فقیه حقانی، موسی؛ نجفی، موسی؛ نامدار، مظفر؛ و زاهد
 زاهدانی، سعید. (۱۳۸۹). بهائیت آن‌گونه که هست. تهران: مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی جام
 جم.

مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۴۰۱). جامعه و تاریخ از نگاه قرآن (چاپ پنجم). قم: انتشارات
 مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).

مطهری، مرتضی. (۱۳۹۹ق). مجموعه آثار (ج ۲۳، چاپ هشتم). قم: صدرا.
 موسوی، سید یا سین. (۱۴۲۹ق). الحيرة في عصر الغيبة الكبرى. عراق - كربلا: العتبة الحسينية
 المقدسة.

نصر بن مزاحم. (۱۴۰۴ق). وقعة صفین (محقق و مصحح: عبدالسلام محمد هارون، چاپ دوم).
 قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
 نعمانی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۹۷ق). الغيبة للنعمانی (محقق و مصحح: علی اکبر غفاری). تهران:
 نشر صدوق.

نوبختی، حسن بن موسی. (۱۴۰۴ق). فرق الشيعة (ج ۱). بیروت: دارالأضواء.
 واحدی، علی بن احمد. (۱۴۱۱ق). اسباب نزول القرآن (محقق: کمال بسیونی زغلول). بیروت:
 دارالکتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیضون.

هاشمی خویی، میرزا حبیب الله. (۱۴۰۰ق). منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة (مترجمان: حسن
 حسن زاده آملی و محمدباقر کمره‌ای، محقق و مصحح: ابراهیم میانجی، ج ۱۷، چاپ
 چهارم). تهران: مکتبه الاسلامیة.